

تفکیک صدق و کذب از احکام منجمین

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (53) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد 1

۵۳ - تفکیک صدق و کذب از احکام منجمین

و نیز از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است. قوله العزیز: "هرچند این کواکب را تأثیرات معنویه در عالم انسانی بنظر عجیب آید ولی چون در این مسأله تدقیق نمائی چندان تعجب نفرمائی ولکن مقصد این نیست که منجمین سابق احکامی که از حرکات نجوم استنباط نمودند مطابق واقع بود زیرا احکام آن طوائف منجمین ضربی از اوهام بود و موجد آن کاهنان مصریان و آشوریان و کلدانیان بلکه اوهام هندوستان و خرافات یونان و رومان و سائر ستاره پرستان بود."

وقوله الحق: "استنباطهای منجمین یعنی استنباط هائی که تعلق بوقوع خیر و شرّ دارد ابداً حکمی ندارد کذب المنجمون برب الكعبة ولی استنباطهای فنی که تعلق بحرکات نجوم دارد مثل خسوف و کسوف و امثالهما این پایه و مایه دارد و اما استنباط از نجوم از ظهور مظاهر مقدّسه خارق العاده است دخیل بفنّ نجوم ندارد."

وقوله الحکیم: "از علم نجوم سؤال نموده بودی آنچه تعلق بریاضیات دارد آن مقبول و آنچه از پیش منجمین قدیم تأسیس نمودهاند و تأثیرات عظیمه در تربیع و تثلیث دانستہاند و از قران کواکب در مواقع و سیر و حرکت در منطقه البروج و استقامت نجوم و تأثیر ساعات و تخصیص اوقات مرقوم نمودهاند و در کتب موجوده مذکور عبارت از تصوّرات و افکار اسلاف است و اساس متین غیر موجود ولی نفوس از پیشینیان بقوه تبّتل اطلاع بر بعضی از اسرار کون یافته و از روابط و تعلقاتیکه در بین موجودات است اطلاعی حاصل نموده آنان بر بعضی اسرار خفی که در حقایق اشیاء است واقف گشتند و بعضی از وقایع آتیه از روابط موجودات استنباط نمودند"



ORIGINAL

این محلّ انکار نه چنانکه در رساله خال در ذکر نجم بازغ که دلالت بر ولادت حضرت روح مینمود مرقوم اما باوهامات مندرجه در کتب نجومیه قطعیا اعتماد نه.

***** حاشیة *****

قال الشيخ في فصل المبدء و المعاد من الهيات الشفا لو امکن انسانا من الناس ان يعرف الحوادث التي في الارض و السماء جميعا و طبيعتها لفهم كيفية ما يحدث في المستقبل و هذ المنجم القائل بالاحكام مع ان اوضاعه الاولي و مقدماته ليست مستندة الى برهان بل عسى ان يدعى فيها التجربة او الوحي و ربما حاول قياسات شعرية او خطابية في اثباتها انما يقول على دلائل ليس يجمع الاحوال التي في السماء و لو ضمن لنا ذلك و وفي به لم يمكنه ان يجعلنا و نفسه بحيث نقف على وجود جميعها في كل وقت و ان كان جميعها من حيث فعله و طبعه معلوما عنده و ذلك لانه لا يكفيك ان تعلم ان النار مسخنة و فاعله كذا و كذا في ان تعلم انها مسخنة ما لم تعلم انها حصلت و اى طريق في الحساب يعطيناه المعرفة بكل حدث في الفلك و لو امکنه ان يجعلنا و نفسه بحيث نقف على وجود ذلك لم يتم لنا به الانتقال الى المغيبات فان الامور الغيبية التي في طريق الحدوث انما تتم بخالفات بين الامور السماوية و الامور الارضية المتقدمة و اللاحقة فاعلها و منفعلها طبيعيا و ليست تتم بالماديات وحدها ما لم تحط بجمع الامرين و موجب كل منهما خصوصا ما كان متعلقا بالغيب و لم يتمكن من الانتقال الى التغيب فليس لنا اذا اعتماد على اقوالهم و ان سلطنا متوهمين ان جميع ما يعطوفا من مقدماتهم الحكيمة صادقة.

گیتی همیشه وجود داشته و بواسطه قوانین و اصولی که در خود آنست دارای قوت و حرکت گشته و مرام و مقصود نهائی و اصلی نیز در خود آن موجود است و در اجزاء و در مجموعهای خود تغییر و تبدیل یافته تجدید میشود ... جهان برای ما یک منظره و دورنمای تکامل دائمی و بلا انقطاعی است ... یک اصل ثابت و لا یتغیری برین عمل خطیر حکمروائی و سلطنت میکند و آن عبارت از یک وحدت عالیتر و یک وحدت خداوندی که تمام افراد موجودات در سایه آن بسر برده و کلیه اعمال خاص بدان مربوط و بحکم آن بکار افتاده و تماماً بجانب مقصود و مرام واحدی که تکامل و ترقی مجموعه هستی باشد معطوف و متمرکز میگردد.

"لئون دنی نویسنده بزرگ فرانسوی"